

باهیت تحریریه رشد ماهیه فرا

در صدمین شماره رشد
مدرسه فردا، گفت‌وگوی مختصری با
شورای برنامه‌ریزی درباره‌ی خاطرات، انتظارات
و تأثیرات همکاری با ماهنامه ترتیب داده شده
است. در این گفت‌وگو، زینب گلزاری از شروع
کار نشریه و نقش آن در توسعه حرفه‌ای خودش یاد
می‌کند؛ علیرضا منسوب بصیری درباره‌ی تأثیرات معلمان
سراسر کشور بر خودش و جلسات هیئت تحریریه
حرف می‌زند، شسیبا ملک به یادگیری هر روزه و
انتظاراتش می‌پردازد و سیده‌فاطمه شبیری از
روش‌های ارزیابی مطالب و جو یادگیری
جلسات سخن می‌گوید.

مریم فرحمند



زینب گلزاری

را برای خودم تحلیل کنم. خیلی وقت‌ها
گفت‌وگوها مقدمه‌ای می‌شود تا تحقیق
جدی‌تری روی موضوعی انجام دهم
و البته، این‌ها همه یک روی سکه‌اند.
روی دیگر آن، هم‌نشینی با دوستانی
است که همواره از رفتار آن‌ها می‌آموزم.
بزرگ‌منشی، سعه صدر و راهنمایی‌های
ارزشمند دکتر محمد عطاران، صبر و تحمل
بهناز پورمحمد، اطلاعات و تجربه‌های ارزشمند شسیبا
ملک، مدیریت و مثبت‌اندیشی سیده‌فاطمه شبیری و اطلاعات
خوب علیرضا منسوب بصیری در زمینه فناوری، ارزشمندترین
دارایی‌های من در تحریریه است. من با جمعی پر از خصلت‌های
خوب و مثبت هم‌نشین شده و با آن‌ها رشد کرده‌ام و فکر
می‌کنم خیلی خوش‌اقبال هستم که مرا عضو خانواده «مدرسه
فردایی»‌ها می‌شناسند.

• **نشریاتی که به توسعه حرفه‌ای معلمان می‌پردازند کم نیستند؛ به نظر شما چرا یک معلم رشد فردا را انتخاب می‌کند؟**

راستش به این سؤال نمی‌توانم جواب دهم؛ چون تمام نشریاتی را که به توسعه حرفه‌ای معلمان می‌پردازند، را

• **آیا می‌توانید خود را قبل و بعد از همکاری با نشریه ارزیابی کنید؟**

زینب گلزاری: اولین گپ و گفت‌ها درباره‌ی تأسیس نشریه با موضوع فناوری و تعلیم و تربیت در دفتر دکتر محمد عطاران در ساختمان دانشگاه

خوارزمی تشکیل می‌شد. قرار بود یک نشریه الکترونیکی در فضای وب منتشر شود و اتفاقاً دو

شماره هم منتشر شد. به مرور که جلسات شکل رسمی‌تری گرفتند، طرح قرار گرفتن این نشریه در میان مجموعه مجلات رشد مطرح شد. مدتی بعد، اتاق فکر ما به ایرانشهر انتقال یافت و قصه ما این‌گونه شروع شد.

تحریریه مدرسه فردا یک هیئت تحریریه معمولی نیست؛ اینکه گروهی دور هم جمع شوند، موضوعی را تصویب کنند، مطلب و مقاله‌ای را تأیید یا رد کنند و یک شماره نشریه بسته شود. برای من معمولی‌ترین اتفاقی که در اینجا می‌افتد، بستن یک شماره نشریه است. در کنار هر گفت‌وگویی که شکل می‌گیرد، مطالب بسیاری یاد می‌گیرم. خیلی وقت‌ها جرقه‌ای در ذهنم ایجاد می‌شود که چندین روز مرا درگیر می‌کند تا بتوانم آن



علیرضا منسوب بصیری

نمی‌شناسم. اتفاقاً فکر می‌کنم بسیاری از معلمان رشد مدرسه فردا را نمی‌شناسند. بیشتر خوانندگان ما از شهرستان‌ها هستند و شاید دلیل استفاده از نشریات رشد هم به دلیل کمبود منابع اطلاعاتی دیگر باشد.



• آیا می‌توانید نمونه‌ای از تأثیر مستقیم نشریه را بر کلاس درستان بیان کنید؟

علیرضا منسوب بصیری: یک بخش مهم از کار من به‌عنوان معلم علوم، طراحی آن چیزی است که قرار است در کلاس اتفاق بیفتد و من به آن می‌گویم تجربه یادگیری (learning experience). اگر این کار را معادل طرح درس نوشتن در نظر بگیریم، باید بگویم مجله اولین چیزی است که همیشه گوشه ذهن من است. بگذارید مثالی بزنم! شما مرتبط با چیزی که با آن مواجه شده‌اید نوشته‌اند. عکسی از آن دارید. اگر اینستاگرام‌باز باشید، دغدغه سهمی شدن این تجربه و منظره با دنبال کنندگان صفحه اینستاگرامتان را دارید. برای من مجله همین حکم را در کارهای آموزشی‌ام دارد. تمام کارهایم در مدرسه و کلاس درس با این فکر و دغدغه است که خوانندگان مجله قرار است چه سودی از آن ببرند و چگونه می‌توانم این تجربه جدید آموزشی را با آن‌ها در میان بگذارم. هر مطلبی را هم که به تحریریه مجله می‌رسد، یک جورهایی دوست دارم تجربه کنم.

در اینجا به چیزی هم باید اعتراف کنم و آن، اینکه وقتی با آدم نوآوری مواجه می‌شوم که احساس می‌کنم دارد کار جالبی انجام می‌دهد، سریع از دریچه لنز مجله کنجکاوی می‌کنم و این کنجکاوی به یک گزارش مجله تبدیل می‌شود.

• تفاوت دیدگاه و نظرات در جلسات شورای نویسندگان چگونه حل و فصل می‌شود؟

به نظر من، مهم‌ترین ویژگی مجله ما جلسات تحریریه است؛ جلساتی پویا که مثل کلاس درس وقتی از آن بیرون می‌رویم، کلی مطلب یاد گرفته‌ایم! مهم‌ترین ویژگی شورای تحریریه شنونده بودن اعضای

آن است. اینکه خوب گوش می‌کنند، نظرات مختلف را می‌شنوند و بعد، بدون تعصب، نظر می‌دهند. خیلی کم پیش آمده است که اختلاف‌نظری باشد اما همیشه به کسی که مطلع‌تر بوده اعتماد شده است. مثلاً در مسائل فنی حوزه فوا،

دوستان لطف دارند و همواره به‌نظر من اعتماد کامل داشته‌اند. البته نکته‌ای که خیلی مهم است، حرف آخر است. تیم تحریریه و در نهایت، تصمیم نهایی را سردبیر می‌گیرد. به هر حال همه ما پشت ایشان هستیم و ایشان باید از تصمیمی که ما می‌گیریم دفاع کند. پس، باید کاملاً با آن نظر و دیدگاه موافق باشد. ما نیز به این موضوع احترام می‌گذاریم. به عبارت دیگر، همه ما بر سر اینکه سخن سردبیر فصل‌الخطاب است، اتفاق نظر داریم.



• به‌عنوان عضو شورای نویسندگان مهم‌ترین درسی که در مدت همکاری با نشریه آموخته‌اید چیست؟

شیرینا ملک: در دو حوزه مختلف می‌توانم از آنچه آموخته‌ام نیز در حال آموختن هستم سخن بگویم.

در روزهای اول، حتی نام مجله و نشانه آ‌ی‌سی‌تی که روی جلد مجله و یا صفحات اول آن برای خود جایی داشت، برابرم کمی دلهره‌آور بود. خودم در آن ایام از برخی

حوزه‌های مرتبط با رایانه و فناوری چندان سر نمی‌آوردم. مرتب به مجلات خارجی مرتبط و یا سایت‌های علمی مراجعه می‌کردم و آنچه را در این حوزه در آموزش جهان روی می‌دهد، مطالعه و بررسی می‌کردم. مجبور شدم هر روز بیشتر بیاموزم تا کمی به‌روز باشم و بتوانم مطالبی مناسب و در خور برای مجله انتخاب کنم... آن روزها به‌سراغ مدرسه‌هایی که چند رایانه داشتند، حتی اگر از رایانه‌ها هفته‌ای

یک بار هم رونمایی می‌شد! می‌رفتیم تا ببینیم چه خبر است. آن اوایل حتی آموزش کی‌بی‌سی‌دی و یا توضیح فرق شات‌دان و ری‌استارت بخشی از آموزش‌های مجله بود؛ چرا که رایانه برای گروه زیادی از معلمان در حوزه



شیرینا ملک

آموزش، هنوز خیلی جدید بود و من از دیدن به‌دنبال معلمان نوآور و خلاق، زیرورو کردن سایت‌های علمی و وبلاگ‌های معلمان جهان و گپ‌وگفت با کارشناسان، مطالب زیادی آموختم؛ هم فناوری، هم معلمی و هم قابلیت‌های زیادی که دنیای مجازی دارد و هنوز باید به‌دنبال یافتن راه‌هایی برای کاربست آن‌ها در آموزش بود. دومین نکته رسیدن به این نکته بود که چقدر معلمان خلاق و خوب و گمنام داریم و از آن‌ها چقدر می‌توان آموخت.

بگوییم در ارزیابی یک مطلب کپی نبودن، نو و به‌روز بودن، شامل اطلاعات کلی و تکراری نبودن و مفید و کاربردی بودن برای معلم و از همه مهم‌تر، قرار گرفتن در چارچوب اهداف مجلهٔ مدرسهٔ فردا عواملی هستند که به آن توجه داریم. اهدافی که به آن‌ها اشاره کردم در ابتدای هر سال به‌عنوان چارچوب مطالب هر مجله تعیین می‌شود. تا سال گذشته اصلی‌ترین مطالب برای مدرسه فردا، فناوری‌های نوین و استفاده از آن‌ها در آموزش بود اما از سال جاری این امر تا حدودی تغییر کرده و شامل چشم‌انداز آموزش و پرورش و به‌نوعی نگاه به آینده و مسائل جدید آموزش و پرورش شده است.

• تصور کنید بتوانید به دلخواه خودتان ستون یا صفحه‌ای ثابت به نشریه اضافه کنید؛ دربارهٔ چه چیزی می‌نویسید؟

ما به هر حال زیرمجموعهٔ وزارت آموزش و پرورش هستیم و باید چارچوب‌هایی را رعایت کنیم. به نظرم جای نقد جدی و بی‌تعارف شکاف آموزشی، محرومیت‌ها و تبعیض‌هایی که در استفاده از امکانات فناورانه هست، نقد تبلیغات رسمی و نقد نگاه تجاری، حتی به آموزش فناورانه، در مجله خالی است.

• برای ارزیابی مطلبی که به دستتان می‌رسد چه عواملی را در نظر می‌گیرید؟

سیده فاطمه شبیری: اول مطلب را

به‌طور گذرا می‌خوانم. دوست دارم قبل از شنیدن نظر سایر دوستان مطلب را بخوانم تا موقع خواندن، ذهنم نسبت به آن سوگیری خاصی نداشته باشد اما گاهی هم این‌طور نمی‌شود و قبل از اینکه مطلب را بخوانم، نظر دوستان را می‌شنوم.

اگر در همان نگاه اول به نظرم بیاید که مطلب حاوی یک سری اطلاعات کلی است که به درد معلم نمی‌خورد و او احتمالاً آن را ورق می‌زند و نمی‌خواند - که متأسفانه از وقتی چاپ مطلب دبیران در مجلات رشد امتیاز شده است این اتفاق زیاد می‌افتد - آن را رد می‌کنم. (درواقع نظر منفی خودم را می‌نویسم) اما اگر به نظرم برسد که قابل قبول و مفید برای خوانندگان است، در مرحلهٔ بعد به کپی نبودن آن فکر می‌کنم - که البته بررسی این بخش بر عهدهٔ همکار عزیزم خانم دکتر گلزاری است. خلاصه

• ویژگی مهم نشریه که باعث ادامهٔ همکاری شما با آن می‌شود، چیست؟

شاید کمی خودخواهانه باشد ولی آنچه بیش از سایر مسائل مرا به مجله وابسته می‌کند، فضای یادگیری‌ای است که در اینجا دارم. در مجله و در جمع فرهیختهٔ دوستان و همکاران و سردبیر محترم، هر لحظه در حال یادگیری هستم و از بودن و حضور در این فضا احساس زیان ندارم. حسی که شاید در سایر محیط‌های کاری به این پرننگی تجربه نمی‌کنم. تجربهٔ آشنایی با افراد جالب، معلمان بانگیزه از سراسر کشور و کسانی که به نوآوری در حوزهٔ آموزش فکر می‌کنند غنیمتی است که از جان و دل دوست دارم...



سیده فاطمه شبیری

مسئلهٔ دیگری که شک دارم اهمیت آن برایم از قبلی کمتر است یا بیشتر، آگاهی از این است که حاصل تلاشی که در اینجا می‌کنیم، در سراسر ایران منتشر می‌شود. حتی اگر مطمئن نباشم که همهٔ افرادی که مجله به دستشان می‌رسد آن را می‌خوانند یا نه، همین که فکر می‌کنم ممکن است معلمی در دورافتاده‌ترین نقطهٔ ایران مجله را ببیند و شاید نکته‌ای را در آن بخواند که به کمک آن بتواند لحظه‌ای متفاوت را برای دانش‌آموزی رقم بزند... همین برایم کافی است که نتوانم از این فضا و این امکان دل بکنم، و صدالبته باید بگویم همین نگاه، کار را سخت‌تر می‌کند؛ به طوری که به راحتی به چاپ هر مطلبی رضایت نمی‌دهیم. همین نگاه باعث می‌شود گاهی به خاطر تأخیرهایی که به سبب وسواس در انتخاب - پیش می‌آید، تذکر بگیریم. در کنار این دو عامل، فضای دوستانه و همدلانه‌ای که با حضور دوستان در مجله وجود دارد، وابستگی و دلبستگی به آن را بیشتر می‌کند.